

آواشناسی سوره انشقاق

مرضیه شاددل^۱

نویسنده مسئول:

مرضیه شاددل

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال هفتم)
شماره ۲۳ / بهار ۱۴۰۰ / ص ۳۲-۲۰

چکیده:

قرآن سبک و اسلوب بی همتایی از نظر نظم تعابیر و روش ممتازی از لحاظ ترکیب الفاظ را در بردارد. که عرب ها بیش از نزول قرآن کریم با چنین سبک و نظم آشنایی نداشتند و با اینکه اهل فصاحت و بیان و سوارکاران عرصه بلاغت و گفتار بودند این سبک و اسلوب برای آنها نامأنوس تجلی یافت. معجزه بودن قرآن از جهات مختلف قابل بررسی است، یکی از آنها اعجاز ادبی و بیانی می باشد. از موارد این اعجاز، نوع گزینش کلمات، سبک و شیوه ی بیان، موسیقی درونی، وحدت موضوعی آیات و نکته ها و ظرافت هایی است که در آیات و سوره های قرآن وجود دارد. هنگام تلاوت قرآن، موسیقی درونی، جدا از علم به صفات آوایی حروف و الفاظ، کاملاً مشهود است. این موسیقی، طوری است که حروف، به شکل بی نظیری در کنار هم قرار می گیرند و هنگام شنیدن ، بدون وجود دستگاه های موسیقی و یا قافیه و وزن، آهنگ با شکوهی از آن به گوش می رسد، هدف ما در این پژوهش، تلفیق میان معناشناسی و آواشناسی، با تلفیق بر الفاظ توصیفی بهشت و قیامت در سوره انشقاق است. چنین بنظر می رسد که هر لفظ، که دارای موسیقی سنگینی هست، ایجاد معنای رعب انگیزتری می کند و موسیقی سنگین و کوبنده ای دارند یا بالعکس، واژه ی نرم و لطیف، جنبه ی لطافت و آرامش بهشت را نمایش می دهد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، سوره انشقاق، آواشناسی، فاصله

مقدمه:

زبان، نظامی از نشانه ها است که تمام حوزه های ساختاری آن، از نظام واجی گرفته تا نظام واژگانی، نحوی و ... برای انتقال معنی به وجود آمده اند. از جمله حوزه های وسیع زبانشناسی، حوزه ی لفظ و دیگری حوزه ی محتواست. در حوزه ی لفظ، با صورت و شکل ساختاری کلمات و عناصر زبانی و در حوزه ی محتوا، با معنای الفاظ بسیط و ترکیبات آن سر و کار داریم. اولین حوزه را آواشناسی و دومین حوزه را معناشناسی خوانند. معناشناسی، معادل (semantics) در زبان انگلیسی و علم الدلاله (به فتح و کسر دال) یا علم المعنی در زبان عربی است و با جملاتی مانند «دانشی که به بررسی معنا می پردازد» یا «شاخه ای از زبانشناسی که به نظریه ی معنا می پردازد» (مختار عمر، ۱۹۹۱، ۱۹)، یا «مطالعه ی علمی معنا و منظور از مطالعه ی علمی توصیف پدیده های زبانی معنا در چارچوب یک نظام و سیستم است» (صفوی، ۱۳۸۹، ۲۸) تعریف شده است. در حوزه ی آواشناسی، هر واج یا آوا می تواند واژه یا مفهومی را از واژه یا مفهوم دیگر متمایز سازد. این تمایز عمدتاً در ساختار موسیقایی آواها تبلور یافته و به وسیله ی گوش قابل دریافت است. عملکرد موسیقایی آواها در کارهای هنری (شعر-نثر)، به خالق اثر کمک می کند تا در القای معنای مورد نظرش، توفیق یابد. به نظر می رسد هر اندازه، خدمت رسانی آواها با موفقیت صورت پذیرد، آن اثر از تعالی هنری بیشتری برخوردار خواهد گشت (رجبی، ۱۳۹۱، ۱) ارتباط آواها با معنا، از برجسته ترین مسائلی است که زبانشناسان از دیرباز تاکنون به آن اهتمام ورزیده اند. در گذشته، با نگرش در آثار خلیل بن احمد فراهیدی، سیبویه و ابن جتنی ردپای این مسائل دیده می شود به نظر می رسد هدف اصلی این علم، درک ماهیت معنایی آواها باشد. آوا، نقشی مهمی در القاء معانی مندرج در هر زبان بر عهده دارد. امروزه می توان ادعا کرد که چینی های هنری حروف و کلمات در کنار یکدیگر، می تواند شکلی اعجازگونه به کلام دهد. اوج چنین زیبا آفرینی در سراسر قرآن کریم به چشم می خورد. چنین پدیده ای امروزه، بدان اندازه است که می توان با بهره گیری از یافته های زبانشناسی جدید، راهی صحیح، فراروی جویندگان این زیبایی ها قرار داد. کارکرد آواها در آیات قرآن، به گونه ای است که می توان چنین کارکردی را تحت عنوان «اعجاز موسیقایی» بررسی کرد. هدف از این پژوهش، بررسی آواهای به کارگرفته شده در الفاظ مربوط به قیامت، انسان و انسان در قیامت است تا نقش اعجازگونه ی آنها در القای معانی مورد نظر تبیین گردد. از آنجا که تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه معناشناسی آوایی در سوره انشقاق صورت نگرفته، ما بر آنیم که این نظریه زبانی را در سوره انشقاق مورد بررسی قرار دهیم. با مد نظر قرار دادن پرسش هایی از جمله:

- ۱- چیدمان حروف هجایی و طنین الفاظ چه ارتباطی با معانی آیات دارد؟
- ۲- مقطع های آوایی در آیات چه تأثیری در معنای واژگان و سپس در مخاطب دارد؟

پیشینه تحقیق:

کهن ترین اثری که در تاریخ علوم اسلامی، حاوی مبحث تلفظ حروف، کیفیت حدوث اصوات و مخارج آنهاست، الکتاب سیبویه (ت ۱۷۷) است. پس از وی، بیشتر دانشمندان لغت، ادبیات و علمای تجوید، از وی پیروی و مبنا و اساس کار او را در تقسیمات حروف و جایگاه تولید هر یک، پذیرفته و عیناً آنها را روایت کرده اند. کتاب العین، نیز شامل پاره ای از مصطلحات علم تجوید، در مبحث حروف است. العین، منسوب به خلیل بن احمد فراهیدی، استاد سیبویه است. اگر این نسبت صحیح باشد، کتاب العین، به عنوان قدیمی ترین سند در این موضوع می باشد که به دست ما رسیده است. برخی انتساب العین را به خلیل بن احمد انکار نموده و به همین سبب، بیشتر به کتاب سیبویه، استناد شده است. در حوزه ی معناشناسی آوایی در زبان فارسی و در زبان عربی، کتابها و مقالات متعددی وجود دارد. در زمینه ی معناشناسی آوایی قرآن، می توان به این مقالات اشاره نمود: «التصویر الصوتی فی سوره الزلزله» نوشته ی هادی سعدی عنون در مجله دراسات الکوفه، شماره ی ۱۸، «سمات الوحدات الصوتیه لماده (س،ب،ج) فی القرآن الکریم» نوشته ی کولیزار کاکل عزیز، در مجله ی التریبه و العلم، شماره ۳، «الدلاله الصوتیه لحرف الخاء فی العربیه آیات التنزیل العزیز نمودجاً» نوشته ی عبد العباس عبدالجاسم احمد در مجله ی دراسات التریبه، شماره ۲۴، «دلاله الاصوات فی القرآن سوره النجم و القمر» از عیسی متقی زاده و کاوه خضری در مجله أفاق الحضاریه الاسلامیه، سال پانزدهم، شماره ۲، که از پایان نامه ی «الاثار الدلالی للاصوات القویه فی الفاظ القرآن الکریم» از لخضر دیلمی در کشور الجزایر اقتباس شده است. همچنین مقاله «بررسی ارتباط میان لفظ و معنا بر پایه ی شاخصهای آواشناختی با نگاهی موردی به برخی شواهد قرآنی» از محمود رمضان زاده و علی توحیدی شکیب در نشریه ی علوم انسانی دانشگاه پیام نور مشهد، شماره ۴، بهار ۹۲ و مقاله ی «بررسی جایگاه آواها در حرکت بخشی به تصاویر ادبی صحنه های قیامت در قرآن کریم» از مرتضی قائمی در دو فصلنامه ی تخصصی پژوهشهای میان رشته ای قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول، سال ۱۳۹۲ و مقاله «دلاله های آوایی در آیه های وعد و وعید قرآن کریم» از محمد خاقانی و یوسف فضیلت، همچنین پژوهشی با عنوان «بررسی دلالت های آوایی سوره های مزمل و مدثر» به نگارش لیلا موسوی، همچنین مقاله «نقش آوا در تصویر سازی سوره نازعات» به نگارش منصوره طالبیان، در این مقاله به مقطع های آوایی پرداخته شده و با توجه به بافت آیات، معانی و تصاویر نهفته در انواع مقطع های آوایی بیان شده است.

تعریف آوا

آوا یک پاره صوتی است که از مجموعه ای از مختصات صوتی تشکیل شده و بخشی از زنجیره گفتار را تشکیل می دهد و قابل تقطیع به اجزای کوچکتر نیست. (یارمحمدی، ۱۳۶۴: ۹). آوا در لغت فارسی به معنای آواز و بانگ است (معین، ۱۳۸۲: ۱۴۷/۱). در زبان عربی این واژه معادل صوت به معنای جرس (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۷/۲) می باشد. راعب در تعریف صوت در مفردات آورده است: «هُوَ الْهَوَاءُ الْمُنْفِطُ عَنْ قَرَعِ جِسْمَيْنِ، وَ ذَلِكَ ضَرْبَانِ: صَوْتٌ مُجَرَّدٌ عَنْ تَنْفُسٍ بَشَرِيٍّ كَالصَّوْتِ الْمُتَدَوٍّ وَ تَنْفُسٍ بِصَوْتِ مَا» (راعب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۹۶). «هوایی است که از فشردن و بهم خوردن دو جسم به دست می آید و بر دو گونه است: ۱- صدای مجرد از دمیدن در چیزی، مثل صدای ممتد و پیوسته؛ ۲- دمیدن با صدایی مخصوص.

انواع آواها:

«زبان‌شناسان آواهای زبان را به دو دسته ی همخوان و واکه تقسیم کرده اند. در تلفظ همخوان ها، جریان هوایی که از شش ها خارج شده، در جایی از مجرای گفتار که به آن جایگاه تولید یا مخرج گفته می شود. به طور کامل یا ناقص متوقف می شود؛ اما در تولید واکه هیچ مانعی در مسیر این جریان هوا وجود ندارد.» (یوسفی راد و متشرعی، ۱۳۹۳: ۱۴). آواها بر مبنای مخرج حروف، به دو دسته تقسیم می شوند. ۱- آواهای واکدار و بی واک- ۲- آواهای سنگین و سبک. آواهای واکدار (مجهور) به آن دسته از آواهای زبان اطلاق می شود که در هنگام تلفظ تارهای صوتی را به ارتعاش در می آورند. (أنیس، ۲۰۱۳: ۲۲). چنین آواهایی را می توان در واکه های (ء، آ، ع، غ، ق، ج، ی، ض، ل، ن، ر، ز، ط، ظ، د، ذ، ب، م، و) یافت (السعران، بی تا: ۸۸). آواهای مجهور بخاطر آهنگ سخت و شدتی که دارد معنا را آشکارتر نشان می دهد و در مخاطب تأثیر بسزایی دارد. آواهای سنگین در اثر حبس هوا در خارج از ریه به صورت دفعی یا انفجاری، تلفظ می شوند و ادای آن همراه با آزادی صوت و رهایی از فشار می باشد. که عبارتند از: (ب، ت، د، ج، ط، ض، ک، ق، أ). (أنیس، ۲۰۱۳: ۲۶). در مقابل آواهای مجهور، آواهای مهموس (بی واک) قرار دارد که تارهای صوتی در هنگام تلفظ این حروف به لرزه در نمی آید. از اصلی ترین حروفی که این گونه آدا می شوند (ت، ث، ح، خ، ک، ش، ص، س، ط، ف، ق، هـ) (السعران، بی تا: ۸۸) در آواهای سبک یا سست (رخوة) برخلاف آواهای سنگین هوا با شدت حبس نمی شود و تنها در هنگام خروج هوا، مجرای آن صداها تنگ می شود. از نشانه های این حروف پدید آمدن نوعی صغیر یا صدایی خفیف هنگام تلفظ است. این حروف عبارتند از: (ف، ث، ذ، ظ، ز، س، ش، ص، خ، غ، ح، هـ) (جمعه، ۲۰۰۸: ۳۵) در تقسیمی دیگر آواها دو نوع اند: صدا دار که شامل حرکات کوتاه (فتحه، ضمه، کسره) و حرکات کشیده مثل (الف)، (واو) و (یاء) مدی و حروف لین (واو) و یاء ساکن) می باشد. آواهای بی صدا (صامت) که همان حروف هجایی هستند.

مقطع:

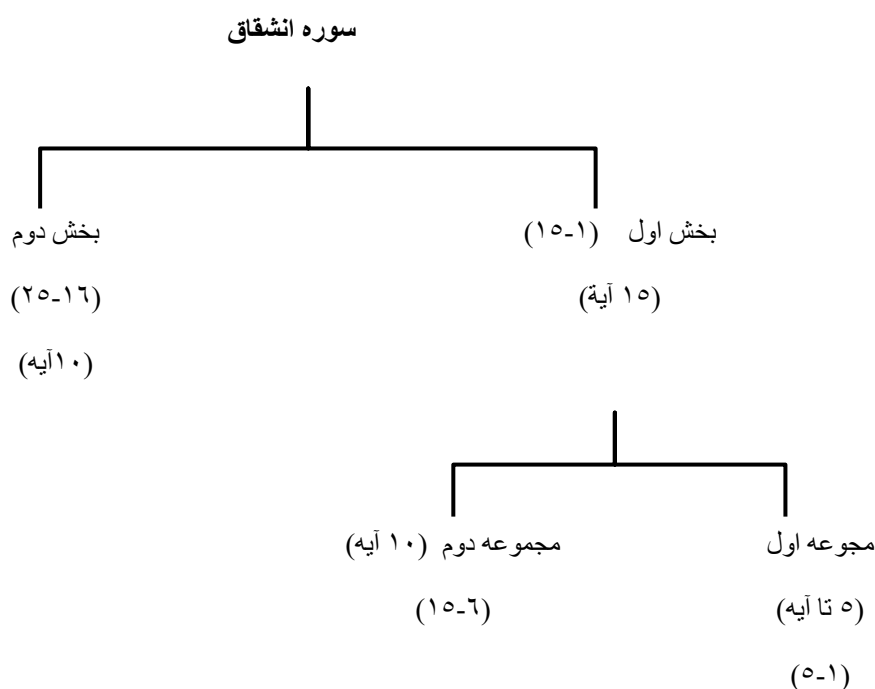
«مقطع» نام عربی و «Syllable» انگلیسی هجا است. در تعریف هجا اومده است: (به قسمتی از کلمه یا مجموعه ای از آواها اطلاق می شود که با یک دم زدن بی فاصله و قطع، ادا می شود. یونانیان برای اولین بار این جزء گفتار یعنی هجا را تشخیص دادند و آن را «سولابی» خواندند. ابوریحان همان لفظ یونانی را به صورت «سیلابی» به کار گرفت. ابو علی سینا اصطلاح «مقطع» را به کار برد) (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۵۳۵). برخی نیز آن را سیلاب یا بخش خواندند، اما اصطلاح «هجا» جدیدترین اصطلاح برای این مفهوم است. در جایی دیگر هجا (بخش) را چنین تعریف کرده اند: (مقطع «بخش»، یک واحد صوتی مفرد می باشد و از یک صوت طلیقی کوتاه یا بلند و یک صوت حبیسی یا بیشتر تشکیل شده است. مانند «قال» که از یک مقطع تشکیل شده است: یک حرکت فتحه بلند الف و دو حبیس قاف و لام) (انطاکی، ۱۳۷۲: ۲۵). صوت حبیسی و طلیقی را که در تعریف بالا آمده، شاید بتوان به «صدای آزاد» و «صدای بسته یا پنهان» ترجمه کرد که به ۶ دسته تقسیم می شوند:

- ۱- هجای کوتاه باز: حرف + صدای کوتاه مانند: و(ص ح)
- ۲- هجای کوتاه بسته: حرف + صدای کوتاه + حرف مانند: هل(ص ح ص)
- ۳- هجای بلند باز: حرف + صدای کشیده مانند: ما(ص ح ح)
- ۴- هجای بلند بسته: حرف + صدای کشیده + حرف مانند: نور(ص ح ح ص)
- ۵- هجای کوتاه بسته مضاعف: حرف + صدای کوتاه + حرف + حرف مانند: فصل(ص ح ص ص)
- ۶- هجای بلند بسته مضاعف: حرف + صدای کشیده + حرف + حرف مانند: حاج(ص ح ح ص ص)

به بیان ساده تر، هجا از آوای بی صدا (حروف ابجدی) و آوای صدا دار (صدای کوتاه یا کشیده) تشکیل می شود؛ آواهای بی صدا با حرف «ص» رمز گذاری و آواهای صدا دار با حرف «ح» یعنی حرکت رمز گذاری می شوند. لازم به ذکر است که بلند یا کوتاه بودن مقطع بر معنای واژگان تأثیر گذار است.

ساختار سوره انشقاق

سوره انشقاق هشتاد و چهارمین سوره از سوره های قرآن است که پس از سوره مطففین و پیش از سوره بروج قرار دارد و مانند بسیاری از سوره های جزء اخیر قرآن مجید از مباحث معاد سخن می گوید. این سوره دارای ۱۰۶ کلمه و ۴۳۰ حرف می باشد. شمار آیات آن در شمارش کوفی ۲۵ آیه و در شمارش بصری و شامی- که آیات ۸ و ۷ را در یک آیه و آیات ۹ و ۱۰ را نیز یک آیه می دانند - ۲۳ آیه ذکر شده است (رامیار، ۱۳۶۲: ۵۸۹) نام های مشهور این سوره عبارتند از: الإنشقاق و انشقت؛ که گاه نام دوم این سوره به صورت کامل یعنی «اذ السماء إنشقت» آیه نخست آن ذکر شده است. (سیوطی، بی تا: ج ۶، ۲۳۸-۲۳۹). می توان سوره انشقاق را به سه موضوع اصلی، قیامت، انسان و انسان در قیامت دسته بندی نمود.



تفسیر اجمالی سوره:

این سوره بدون مقدمه و با بیان نشانه های روز رستاخیز آغاز می شود و همچون سوره های تکویر و انفطار، وحشت ها و بیم های قیامت را بیان می کند و اینکه برای انسان سیری است به سوی پروردگارش، او در این مسیر هست تا پروردگارش را دیدار کند، و خدای تعالی به مقتضای نامه عملش به حسابش برسد؛ و قابل ذکر است آیات مربوط به تهدیدش از آیات بشارتش بیشتر است. (طباطبایی: ۱۴۱۷، ۲۰/۳۹۹)

آیات بخش اول (مجموعه اول)

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱) وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۲) وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳) وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (۴) وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۵)

این سوره مبارکه، در قالب دو جمله شرطیه از شکافته شدن آسمان و کشیده شدن زمین در روز قیامت خبر می دهد و بر انقیاد کامل آسمان و زمین در برابر پروردگار تأکید می کند؛ و از آنجایی که قیامت امری حتمی می باشد ماضی آوردن فعل ها به جای فعل مضارع بر اثبات قطعیت در وقوع فعل است. قابل ذکر است که بسامد گسترده حروف مجهوره در این آیات بر شدت و سختی این حادثه دلالت دارد و حضور ۲۶.۴٪ حروف مهموسه در آیات مؤید این ادعا می باشد.

جدول زیر به این نکته اشاره دارد.

جدول (۱) آواهای مهموس و مهجور در پنج آیه اول

شماره آیات	متن آیات	مجموع حروف آیات	حروف مهموس	درصد حروف مهموس	درصد حروف مهجور
۱	إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ	۱۲	س-س-ت-ش	۳۳٪	۶۶٪
۲	وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ	۱۶	ت-ه-ح-ت	۲۵٪	۷۵٪
۳	وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ	۱۱	ت	۰۹٪	۹۹/۱
۴	وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ	۱۷	ت-ف-ه-ت-خ-ت	۳۵٪	۶۵٪
۵	وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ	۱۶	ت-ه-ح-ت	۲۵٪	۷۵٪

با دقت در آیات مشاهده می کنیم که آوای انفجاری و مهجور (قاف مشدد) که دارای صفات استعلاء، شدت و قلقله است شدت و سختی روز قیامت را می رساند.

تحلیل فاصله:

این آیات شکافته شدن زمین و بیرون راندن هرآنچه درون آنست را به تصویر می کشد و در ادامه وقوع این دو امر به فرمانبرداری آسمان و زمین از فرمان خداوند اشاره می نماید. حرف روی فاصله در این آیات (ت) است که از حروف مهموس و ضعیف است و هنگام تلفظ، نفس در مخرج حرف جریان پیدا می کند و صدا ضعیف و مخفی خواهد بود؛ با مفهوم آیات که فرمانبرداری و اطاعت آسمان و زمین از خداوند کریم سخن به میان می آورد تناسب دارد. وشایان ذکر است تمامی مقطع های آوایی این آیات از مقطع آوایی بسته (ص-ح-ص) تشکیل شده است. که آهنگ و طنین آن در تلفظ به مانند حرف مدی مدت زمان طولانی به طول می انجامد که این امتداد آوایی با معنا و سیاق کلام که در مورد حوادث روز قیامت و طولانی بودن این روز است، هماهنگی دارد. جدول زیر به این نکته اشاره دارد:

جدول (۲) مقطع های آوایی فواصل پنج آیه نخست

آیات	ص ح ح		ص ح ح		ص ح ص		جمع
	تعداد	تعداد	صوت	تعداد	تعداد	صوت	
۱	۲	۱	آ	۴	سن ق ت	۷	
۲	۶	۱	آ	۴	ت ب ق ت	۱۱	
۳	۳	۰	۰	۴	ل ر د ت	۷	
۴	۳	۳	آ	۴	ل ت ل ت	۱۰	
۵	۶	۱	آ	۴	ت ب ق ت	۱۱	

انشَقَّتْ ان-شق-قت هجای بلند بسته+هجای بلند بسته+هجای بلند بسته ص ح ص ص ح ص ح ص
 حَقَّتْ حق-قت هجای بلند بسته+هجای بلند بسته ص ح ص ص ح ص
 مُدَّتْ مد-دت هجای بلند بسته+هجای بلند بسته ص ح ص ص ح ص

تَخَلَّتْ ت- خل-لت هجای کوتاه باز+ هجای بلند بسته+ هجای بلند بسته ص ح ص ح ص ح ص ح

آیات بخش اول (مجموعه دوم):

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۶) فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (۷) فَسَوْفَ يَحَاسِبُ حِسَابًا يَّسِيرًا (۸) وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۹) وَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰) فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا (۱۱) وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا (۱۲) إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۱۳) إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (۱۴) بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (۱۵)

خداوند انسانها را مخاطب ساخته و سرنوشت آنها را در مسیری که در پیش دارند برای آنها روشن می‌کند، می‌فرماید: "ای انسان تو با تلاش و رنج و زحمت به سوی پروردگارت پیش می‌روی، و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد سپس به توصیف حالات انسانها در روز قیامت می‌پردازد؛ عده ای نامه اعمالشان به دست راستشان داده خواهد شد و خوشحال و شادمان به سوی کسان خویش باز می‌گردند. و اما گروه دوم نامه اعمالشان از پشت سر به دست چپشان داده خواهد شد در حالی که با دیدن نامه اعمال خود از شدت اندوه و حسرت آه از نهادشان برآمده و به آتش افروخته درآیند. (مکارم شیرازی، ۲۶/ ۲۹۹)

تحلیل مقطع آوایی:

آیه ی ۶ تا آیه ۹ بیان وضعیت و جزای کسانی است که بر مبنای ایمانشان به قیامت، موضع درستی را در دنیا اتخاذ کرده اند. با دقت در چینش هجایی و ترکیب آواها در این بخش از آیات می‌توان دریافت گاهی یک لفظ به تنهایی به خاطر تناسب و موسیقایی چنان تناسب و هماهنگی ای در معنا ادا می‌کند که آوای موسیقی قبل از هر چیز بر معنا دلالت می‌کند ؛ انتخاب واژه (کدح) که با اسم آغازین سوره کاملاً تناسب دارد دلالت بر این امر می‌کند. کلمه کدح تنها یک بار و در سوره انشقاق به کار رفته است و به معنای تلاش و کوششی است که با رنج و تعب همراه باشد، و در جسم و جان اثر بگذارد (طباطبایی/ ۳۰۰، ۲۶) و چون با کلمه (إلی) به جای حرف (لـ) متعددی شده، در آن سیر و حرکت نهفته است و از دیدگاه آواشناسی حرف (لـ) یک مقطع آوایی کوتاه باز دارد. لیکن (إلی) از مقطع آوایی کوتاه باز و مقطع آوایی کشیده باز تشکیل شده که با راه طولانی انسان برای ملاقات با پروردگار مناسبت دارد. در آیه «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» برای هماهنگی آوایی و معنایی به منظور زدودن هرگونه انکار و شک و تردید از صفحه دل مخاطب خود سخنان را با چند عامل تأکید از جمله این، جمله اسمیه و مفعول مطلق تأکیدی کدحاً همراه کرده است. با دقت نظر در آوای پدید آمده در آیه به دقت گزینش الفاظ این آیه از لحاظ آوایی پی می‌بریم؛ زیرا انتخاب واژه «کادح» به جای «تکدح» آوای موسیقی طولانی را می‌آفریند که شدت آوایی آن با رنج هایی که انسان برای رسیدن به خداوند می‌کشد هماهنگ می‌باشد.

کادِحْ = (ص ح ح + ص ح + ص ح ح) = تکدح = (ص ح ص + ص ح ح + ص ح ح)

بدین صورت در می‌یابیم واژه «تکدح» به مقطع صوتی کوتاه باز و واژه «کادح» به مقطع کوتاه بسته پایان می‌یابد. (مختار الصحاح، الرازی/ ۵۶۴/ ۵۶۵). در این آیات ضرب آهنگ کلمات بتدریج کند می‌شود ؛ مصوت های بلند اندک اندک افزایش می‌یابند، افزایش تدریجی مصوت های بلند و آرام شدن حال و هوای کلام نمود استمرار و تداوم رفت و مهربانی و آسایش بهشتیان را نشان می‌دهد. خداوند در این آیات مبارکه با گزینش الفاظ (حساباً- مسروراً) طنین وآهنگ آرامش مؤمنین را تداعی می‌کند؛ در حقیقت تکرار حروف مهموس و لین (ه، ف، س، ح) در این بخش علاوه بر آهنگین نمودن آیات در بیان و القای مفهوم نقش بسزایی دارند و به انسان لطافت و آرامش خاصی را می‌بخشند.

آیات (۱۰-۱۵) در آیات پیشین سخن از سرنوشت مومنانی بود که نامه اعمال آنان به دست راستشان داده شده بود. آیات مورد بحث به شرح نقطه مقابل آنها یعنی سرگذشت کفار و مجرمان و چگونگی نامه اعمال آنان سخن می‌گوید. تفاوت آوایی این آیات با آیاتی که حالت های بهشتیان را توصیف می‌کند کاملاً متفاوت است. در این مجموعه ، زمینه معنایی ، انداز، هشدار و ایجاد بیم و هراس می‌باشد که موسیقی کوپنده و تهاجمی آفریده است و کلمات با ریتمی بلند همراه با تفخیم ادا می‌شوند به عنوان نمونه واژه « ثُبُورًا » در آیه «فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا» از طریق آوا می‌توان به معنا پی برد؛ این جمله اشاره به تعبیری است که عرب به هنگام بروز یک حادثه خطرناک دارد، و فریاد می‌زند: "وا ثبورا!" یعنی ای وای که هلاک شدم (توجه داشته باشد که "ثبور" به معنی هلاکت است). (طباطبایی/ ۳۰۸/ ۲۶). حروف به کار رفته در این واژه کاملاً گویای معنای آن می‌باشد. توالی حروف (ث) که از حروف تفشی و لثوی است و (باء) که از حروف مهبجوره و بر شدت و صلابت دلالت دارد و به دنبال آن حرف کشیده (واو) و (راء) که حضور مصوت (الف) بعد از حرف (راء) را برجسته می‌کند و بدان استمرار می‌بخشد تا جنبه موسیقی کلام را بالا ببرد و آه و ناله محکومان روز جزا را تداعی نمایند. و در آیه «

وَيَصْلَى سَعِيرًا» هم خوان (یاء) مفتوح و (صاء) ساکن که از حروف صغیر است و هنگام تلفظ آن هوا از لابه لای دندانها خارج می شود هرهر آتش یا هیاهو و گریه زاری را به گوش می رساند و هم خوان (ل) نیز لثوی و روان است که برای تولید آن زبان به دندان های بالا متصل می شود، سپس با جدا شدن زبان ، هوا به راحتی از کناره های زبان خارج می شود .این ضرب آهنگ با مفاد آیه که خبر از به آتش افکندن کافران می دهد هماهنگی کامل دارد زیرا زمانی که دهان باز می شود که (یصلی) را تلفظ کنیم گویی شعله های آتش از دهان بیرون می آید. با امعان نظر در آیات این بخش به این دستاورد می رسیم از آنجایی که مضمون این آیات برعذاب کافران و پاداش نیکو کاران دلالت دارد حروف مهجوره نسبت به مهموسه بسامد بیشتری به خود اختصاص داده تا با مضمون آن هماهنگ باشد. جدول ذیل به این موضوع اشاره دارد

جدول آیات ۶ تا ۱۵

شماره آیات	متن آیات	مجموع حروف آیات	حروف مهموس	درصد حروف مهموس	درصد حروف
۶	يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ	۳۶	هـ - س - ک - ک - ح - ک - ک - ح - ف - هـ	٪۲۷	٪۷۳
۷	فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ يَمِينِهِ	۲۱	ف - ت - ک - ت - هـ	٪۲۳	٪۷۷
۸	فَسَوْفَ يَحْصِبُ حِسَابًا يَسِيرًا	۱۹	ف - س - ف - ح - س - ح - س - س	٪۴۲	٪۵۸
۹	وَيَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا	۱۹	هـ - هـ - س	٪۱۵	٪۸۵
۱۰	وَيَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا	۱۹	ک - ت - هـ - هـ - هـ	٪۲۶	٪۷۴
۱۱	فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا	۱۳	ف - س - ف - ث	٪۳۰	٪۷۰
۱۲	وَيَصْلَى سَعِيرًا	۱۰	ص - س	٪۲	٪۹۸
۱۳	إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا	۱۹	هـ - ک - ف - هـ - هـ - س	٪۳۱	٪۶۹
۱۴	إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحْوَِرَ	۱۵	هـ - ح	٪۱۳	٪۸۷
۱۵	بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا	۲۰	هـ - ک - هـ - ص	٪۲	٪۹۸

لازم به ذکر است مقاطع آوایی این بخش از آیات با توجه به حالت های مختلف انسان به دو دسته کوتاه و بلند تقسیم می شوند؛ روی فاصله در این آیات (راء) است و حضور مصوت بلند (الف) تکرار حرف (را) را برجسته می کند و بدان استمرار می بخشد تا جنبه موسیقی کلام را بالا ببرد. (عمر السلامی/۱۹۸۰/۲۲۵).

یسیرا: ی سی را مقطع کوتاه+ مقطع باز+ مقطع بلند باز
مسرورا: مس رو را مقطع بلند بسته + مقطع بلند باز+ مقطع بلند باز
ثبورا: ث بو را مقطع کوتاه+ مقطع بلند باز+ مقطع بلند باز
سعیرا: س عی را مقطع کوتاه+ مقطع بلند باز + مقطع بلند باز
مسرورا: مس رو را مقطع بلند بسته + مقطع بلند باز+ مقطع بلند باز
یحور: ی حو ر مقطع کوتاه+ مقطع بلند باز+ مقطع بلند باز
بصیرا: ب صی را مقطع کوتاه + مقطع بلند باز + مقطع بلند باز

با تدبر و دقت نظر در فواصل آیات فوق متوجه می شویم که فاصله پایانی آیه (لن یحور) با فواصل آیات دیگر مغایرت دارد و علت این اختلاف به این دلیل است که لن یحور با محتوای آیه پیوند معنایی دارد و واژه (یحور) تابع معنی است.

جدول فواصل آیات ۶ تا ۱۵

شماره	فاصله	همس	شدت	جهر	رخاؤه
۶	فَمَلَأْنِيهِ	ف - هـ	ق	م - ل - ا - ق - ی	ف - هـ
۷	بِئْمِينِهِ	هـ	-	ب - ی - م - ی - ن	ی - هـ
۸	يَسِيرًا	س	-	ی - ی - ر - ا	-
۹	مَسْرُورًا	س	-	م - ر - و - ر - ا	-
۱۰	ظَهْرَهُ	هـ - هـ	-	ظ - ر	ظ - هـ
۱۱	ثُبُورًا	ث	ب	و - ر - ا	ث
۱۲	سَعِيرًا	س	-	ع - ی - ر - ا	-
۱۳	مَسْرُورًا	س	-	م - ر - و - ر - ا	س
۱۴	يَحُورَ	ح	-	ی - و - ر	ح
۱۵	بَصِيرًا	ص	ب	ب - ی - ر - ا	ص

بخش دوم: آیات (۱۶ تا ۲۵)

فَلَا أَقْسَمُ بِالْشَّفَقِ (۱۶) وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (۱۷) وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸) لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ (۱۹) فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰) وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (۲۱) بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ (۲۲) وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳) فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۴) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

آیات ۱۶ تا ۱۹ استدلال به آیات آفاق، برای هشدار به کسانی است که متوقف شده اند و توقف خود نوعی تأخر و عقب ماندگی است، چون کسانی که تا مرحله ای از کمال با تلاش خود و توفیق الله رسیده اند بعد از آن فکر می کنند که کافی است و احساس نمی کنند این توقف، رکود و جمود است. همان لحظه ای که چنین تصمیمی می گیرند، عقب افتادگی و پسروی آن ها آغاز می شود. آیه ۲۰ تا ۲۵ نتیجه گیری کل سوره و بیان این مطلب است که با وجود این همه آیات، علت چیست که افراد منقلب و متحول نمی شوند؟ این همه پیامبران آمده اند، چرا میزان تحول و تغییر کم و یا در بعضی از اوقات ناچیز است. در حالیکه اصل این بود که افراد با شناخت این آیات منقلب و متحول شوند. نتیجه این است که به سرنوشت محتوم و قطعی شان که همان عذاب الیم است می رسند. مومنان و انجام دهندگان عمل صالح وعده ی اجری بی پایان می گیرند.

تحلیل مقطع آوایی:

در موسیقی درونی آیات هماهنگی ظریف و دقیقی بین مفهوم آیات و چینش حروف و آوای واژه ها دیده می شود. توالی حروف قاف در آیات (۱۶ تا ۱۹) همراه با قلقله و سکون های پی در پی معنای شدت، کوبندگی و صلابت را بر می شمارد. بین واژگان (شفق، وسق، تسق)

توازن واژگانی از نوع سجع متوازی برقرار شده است و فاصله آیات نیز به حرف (قاف) ختم شده است که تکمیل کننده معنا می باشند و مقطع های آوایی بر جنبه موسیقایی این آیات افزوده است .

الشفق	ال	ش	فق	مقطع بلند بسته + مقطع کوتاه + مقطع بلند بسته
وسق	و	سق	مقطع کوتاه + مقطع بلند بسته	
اتسق	ات	ت	سق	مقطع طویل بسته + مقطع کوتاه + مقطع بلند بسته
طبق	ط	بق	مقطع کوتاه + مقطع بلند بسته	

خداوند سخن خود را با سوگند به پدیده ها و کاربرد «لام» قسم و «نون» تاکید ثقیله در آیه «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» قوت و تأکید بخشیده تا تأثیر بیشتری بر مخاطب بگذارد و تردیدش را رفع گرداند. کاربرد صنعت التفات ، در آیه اخیر جلوه ی دیگری از زیبایی این آیه است. اسلوب سخن از شکل خطاب در "لترکبن" به شکل غیبت در "فمالهم لا یومنون" تغییر کرده است .نکته این التفات ، تفهیم مذمت و بی اعتنایی به منکران توحید و معاد است به این معنا که چون آنان نسبت به سخنان خداوند بی تفاوت بودند لذا خدا چهره سخن را از آنان گردانیده و با بی اعتنایی به آنها رسول خود را مخاطب قرار داده و فرموده است : چرا ایمان نمی آورند؟ (ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

آیات (۲۰ تا ۲۵) که ریتم واژگان پایانی آیات بلند و آهنگ آنها کند می شود ، لحن کلام نیز سفارش گر ، آرام و ملایم است .این آرامش پس از خوف ،شرایط را برای پذیرش سفارش به ایمان به قرآن و قیامت ،آماده می نماید.

"ما" در آیه "فما لهم لا یومنون" اسم استفهام است و مراد از استفهام در این آیه ،تعجب همراه توبیخ است . تغییر سیاق کلام از مخاطب در آیه قبل به غایب در آیه مذکور ، بر نکوهش افزوده است .

در آیه "بل الذین کفرو یكذبون" و در آیه "والله اعلم بما یدعون" ،افعال مضارع "یکذبون" و "یدعون" بر استمرار دلالت دارند و این معنی را به ذهن مخاطب القا می کنند که کافران بر تکذیب کردن دین و آیات الهی و همچنین پنهان کردن آن چه در دلشان است ،اصرار دارند .در آیه "فبشرهم بعذاب الیم" ،واژه "بشارت" در مورد تهدید به عذاب به کار رفته است و غرض از آن ، استهزاء و مسخره کردن کفار است (طباطبایی، ج ۳۱۸/۲۶) .

واژه های "لایومنون" ،لایسجدون ،یکذبون ،یوعون" در آیات بیستم تا بیست و پنجم با وزن متفاوت و حرف روی یکسان ،توازی از نوع سجع مطرف را به وجود آورده اند. با درنگ در آوای آیات این بخش به این دستاورد می رسیم که مقطع آوایی فاصله در پنج آیه به هجای بلند بسته ختم شده است.

یُؤْمِنُونَ / یُؤْمِنُونَ	مقطع بلند بسته + مقطع کوتاه + مقطع بلند بسته مضاعف
يَسْجُدُونَ / یَسْجُدُونَ	مقطع بلند بسته + مقطع کوتاه + مقطع بلند بسته مضاعف
يُوعُونَ / یُوعُونَ	مقطع بلند باز + مقطع بلند بسته مضاعف
أَلِيمٌ / أَلِيمٌ	مقطع کوتاه + مقطع بلند بسته مضاعف
مَمْنُونٌ / مَمْنُونٌ	مقطع بلند بسته + مقطع بلند بسته مضاعف

شایان ذکر است حروف مهجوره نسبت به مهموسه بسامد بیشتری به خود اختصاص داده تا با مضمون آن هماهنگ باشد. جدول ذیل به این موضوع اشاره دارد.

جدول آیات ۲۰ تا ۲۵

شماره آیات	متن آیات	مجموع حروف آیات	حروف مهموس	درصد حروف مهموس	درصد حروف مهموس
۱۶	فَلَا أُفْسِمُ بِالشَّفَقِ	۱۴	ف-س-ش-ش-ف	٪۳۵	٪۶۵
۱۷	وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ	۱۲	س	٪۰.۸	٪۹۲
۱۸	وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ	۱۱	ت-ت-س	٪۲۷	٪۷۳
۱۹	لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ	۱۶	ت-ک-ط-ط	٪۲۵	٪۷۵
۲۰	فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ	۱۴	ف-ه-ه-	٪۱۴	٪۸۶
۲۱	وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ	۲۵	ه-س	٪۷	٪۹۳
۲۲	بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ	۱۷	ک-ف-ک	٪۱۷	٪۸۳
۲۳	وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ	۱۶	ه	٪۶	٪۹۴
۲۴	فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ	۱۶	ف-ش-ش-ه	٪۲۵	٪۷۵
۲۵	إِنَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ	۳۷	ص-ص-ح-ت-ه	٪۱۳	٪۸۷

جدول فواصل آیات ۲۰ تا ۲۵

شماره	فاصله	همس	شدت	جهر	رخاؤه
۱۶	بِالشَّقِّ	ش-ش-ف	ق	ب-ق	ش-ش-ف
۱۷	وَسَقِّ	س	ق	و-ق	و-س
۱۸	آتَسَقِّ	ت-ت-س	ت-ت-ق	إ-ق	س
۱۹	طَبَّقِ	ط	ط-ب-ق	ب-ق	-
۲۰	لَا يُؤْمِنُونَ	-	-	ل-ا-ی-م-ن-و-ن	ی
۲۱	لَا يَسْجُدُونَ	س	ج-د	ل-ا-ی-ج-د-و-ن	س
۲۲	يُكَذِّبُونَ	ک	ک-ب	ی-ذ-ذ-ب-و-ن	ی-ذ
۲۳	يُوعُونَ	-	-	ی-و-ع-و-ن	-
۲۴	أَلِيمٍ	-	أ	أ-ل-ی-م	-
۲۵	مَّمْنُونَ	-	-	م-م-ن-و-ن	-

نتیجه گیری:

۱- هنگامی که موسیقی، از بطن حرکات، حروف، واج ها و الفاظ به کار رفته بر می خیزد و به صورت بی تکلف به کار می رود، علاوه بر رونق و ارجمندی اثر ادبی، باعث انفعال و تحریک پذیری مخاطب گردیده و به او کمک می کند تا صحنه های وصف شده را بهتر درک نماید.

۲- خداوند متعال در آیات وعید و توصیف صحنه های هولناک عذاب و روز قیامت از عنصر موسیقی پر فخامت و ضرب آهنگی کوتاه و محکم استفاده کرده و آن ها را تا حد زیادی محسوس می نماید که این امر در آیات وعد نرم و لطیف و دارای کشش صوتی می باشد.

۳- آیات وعد که به مومنان بشارت می دهند یا خبر از بهشت دارند و یا از رحمت و عفو خداوند سخن می گویند اغلب از حروف و هجاهای متعادل و ملایم و بلند تشکیل یافته اند و فواصل آنها به هجاهای بلند که دارای کشش صوتی و موسیقی آرام است ختم می شود.

۴- هنگامی که خداوند از تکان های شدید زمین و کوه و اجرام آسمانی در قیامت سخن می گوید از حرف مجهور چون «کاف ، قاف و...» بهره ی بیشتری می گیرد تا صدای انفجارها و ترک خوردگی ها را برساند ؛ برای بیان حوادث روز قیامت و طولانی بودن این روز از مقطع های آوایی بسته استفاده می نماید.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- انیس، ابراهیم، (۲۰۱۳) اصوات اللغویة، قاهرة، مكتبة الأنجلو
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر
- ۴- انطاکی، محمد، (۱۳۷۲)، آوا شناسی، ترجمه قاسم بستانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
- ۵- جمعه، عدنان عبدالکریم، (۲۰۰۸م)، اللغة فی الدرس البلاغی، عراق: دار السیاب
- ۶- رامیار، محمود، (۱۳۶۲) تاریخ قرآن، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم
- ۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم
- ۸- الرازی، زین الدین، مختار الصحاح، الناشر: المكتبة العصرية
- ۹- رجبی، محمود، (۱۳۹۱)، روش تفسیر قرآن، ج ۱، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه
- ۱۱- ساغروانیان، جلیل (۱۳۶۹)، فرهنگ اصطلاحات زبان شناسی، مشهد: سازمان چاپ مشهد
- ۱۲- السعمران، محمود، (بی تا)، علم اللغة مقدمة للقاری العربی، لبنان: دار النهضة العربیة
- ۱۳- سیوطی، جلال الدین، (بی تا)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی
- ۱۴- صفوی، کوروش، (۱۳۸۹)، درآمدی بر زبان شناسی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۱۵- طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۱۶- ظهیری، عباس، (۱۳۸۷)، تجزیه و ترکیب و بلاغت قرآن، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم
- ۱۷- عمر السلامی، الإعجاز الفنی فی القرآن الکریم، نشر و توزیع مؤسسه عبدالکریم بن عبدالله، تونس: ۱۹۸۰م.
- ۱۸- مختار عمر، احمد (۱۹۹۱ الف) دراسة الصوت اللغویة، ریاض: عالم الکتب
- ۱۹- معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی معین، تهران: سی گل
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه